

(عالم اسلام)

شرح رسالہ حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع

حق نماز (۳)

تاریخ ۱۳۹۴ / ۰۳ / ۱۷

■ نماز، عبادتی استثنائی

■ بررسی آیات نماز

■ یک هشدار قرآنی

■ غیر قابل مقایسه بودن لذات معنوی با لذات دنیوی

■ بالاترین عذاب

■ دیگران را به نماز دعوت کنیم

ترتیب در لحظات نماز فرصت غیر قابل مقایسه با هر چیز و هر لحظه دیگری در زندگی برایش رقم می‌خورد. حضرت در ادامه فرمودند: «فاذا علمت ذلك»

اگر چنین فهم و توجهی برای تو حاصل شود، نتیجه‌اش این می‌شود که هنگام نماز در اوج فروتنی، خاکساری و با شوق تمام در حالی که کاملاً آداب حضور در چنین محضری را رعایت کردی، سراسر وجودت را خوف و ترس در برابر این عظمت بی‌انتهای بر گرفته، سر تا پای وجودت غرق امید است و در حالی که در اوج نیاز هستی، متضرعانه و با اصرار، خواسته‌های خودت را در حالی که در کمال آرامش به سر می‌بری، در پیشگاه خدای متعال مطرح می‌کنی و به یک گفتگوی بسیار شیرین و جذاب با پروردگار و خالق خودت می‌رسی. آنجا است که می‌توانی از خدای خودت توقع کنی که تو را از آسیب‌ها و مخاطراتی که تو را به هلاکت ابدی مبتلا می‌کند، طلب نجات داشته باشی و به این

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

■ نماز، عبادتی استثنائی

بحث ما درباره‌ی حق نماز است که در فهرست حقوق افعال، اولین مسئله و شاید به عنوان مهم‌ترین مورد، نماز در نظر گرفته شده است. امام (علیه السلام) با تعبیر بسیار محکم و حقیقتاً شوق‌انگیز و فوق‌العاده پیش‌برنده از نماز یاد می‌کنند. حضرت فرمودند: «فَأَمَّا حَقَّ الصَّلَاةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْكَ قَائِمٌ بِهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ» اما حق نماز این است که بدانی داری به سوی خدای متعال کوچ می‌کنی و به میهمانی خدای متعال می‌روی و اینکه در چنین جایگاهی، تو در پیشگاه پروردگار متعال حاضر می‌شوی. اگر انسان حقیقتاً این جمله کلیدی امام (علیه السلام) را درک و به آن توجه پیدا کند، نتایج عجیبی دارد که در لحظات نماز، پرواز، معراج، صعود، اوج، وصال و دیدار را برای انسان به ارمغان می‌آورد. به این

ترتیب توانسته‌ای با قلبت وارد نماز شوی، به آن حضور برسی و نماز را با همه‌ی حدود، شرائط و آدابش به جا بیاوری.

■ بررسی آیات نماز

ما برای اینکه کلمه نورانی «وَفَادَةٌ» را که امام استفاده کرده‌اند، خوب درک کنیم، بهترین راه این است که نماز را از نگاه خدای تعالی ببینیم. آینه زلال قرآن کریم و آیات نورانی قرآن بهترین محیطی است که می‌تواند نماز را از نگاه خداوند به ما معرفی کند. جلسه گذشته دو نمونه از آیات کریمه قرآن در مورد نماز را تقدیم کردم. امروز هم به لطف خدای متعال، نمونه‌های دیگری را عرض می‌کنم که می‌تواند به صورت یک منظومه بسیار زیبا و البته برگزیده از مجموعه آیات قرآنی باشد که متنوع و گسترده است. این منظومه می‌تواند ما را با جایگاه نماز، اهمیت، تأثیر، سازندگی، عظمت، ژرفا و معانی‌اش بیشتر آشنا کند. در جلسه قبل توضیح دادیم که

از آیه «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيْ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»^۱ و در دو طرف روز [اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار؛ زیرا خوبی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برد»، طبق راهنمایی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و بر اساس گزارش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، استفاده می‌شود که نماز ما را دائماً نو می‌کند؛ یعنی با هر نمازی انسان که در مسیر آسیب‌های زندگی احساس کهنگی می‌کند، تازه می‌شود و روحش تمیز، باصفا، معطر، سرزنده خوشدل و باطراوت می‌شود و می‌تواند باز هم امید داشته باشد که مجدداً به نماز برگردد و انسان مؤمن به امید نماز زندگی می‌کند. آیه دیگری که در جلسه قبل تفسیر کردیم، آیه ۱۴ سوره مبارکه طه بود که حقیقت، معنا و ذات نماز در آن آیه شریفه در چند واژه گنجانده شده است. آیه این بود: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ این منم

قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا؛ و به‌یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم، و [لی آن را] فراموش کرد، و برای او عزمی [استوار] نیافتیم». آیات قبل مربوط به ماجرای حضرت آدم است که فوق‌العاده جذاب و شنیدنی است مطالبی که خداوند به آدم و همسرش - پدربزرگ و مادربزرگ عزیز همی ما - گفت و بلایی که شیطان بر سر آنان آورد تا مسئله هبوط که آدم و حوا از آن بهشت ویژه‌ای که برایشان در نظر گرفته شده بود، اخراج شدند و در وضعیت جدید قرار گرفتند.

■ یک هشدار قرآنی

اینجا یک یادآوری بسیار مهم است. در موقعیت جدید که قرار می‌گیرند، چیزی که انسان را از این جایگاه پایین و پست به آن جایگاه بالا و والا، یعنی جنت فضیلت، انسانیت، حقیقت و بهشت خدای متعال برمی‌گرداند، و از آن به «فلاح» و شکفتن و به بار نشستن درخت وجود انسان یاد می‌شود، عبارت از «ذکر» و «یاد»

خداوند [یکتا] که خدایی جز من نیست؛ پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز بپا دار». از این آیه استفاده می‌شود که مهم‌ترین و باعظمت‌ترین جلوه بندگی در نگاه خدا، نماز است. انسان اگر می‌خواهد در جاده بندگی قرار گیرد، راهش نماز است. این آیه کریمه در مطلع داستان پرفراز و نشیب و پر رمز و راز حضرت موسی بن عمران (ع) قرار دارد. خدای متعال خود را معرفی می‌کند و مقام توحیدی خود را به بنده برگزیده‌اش ارائه می‌کند و آن راه ویژه بندگی که نماز باشد، در اینجا ارائه می‌شود. سوره مبارکه طه سوره جذابی است که آیات آهنگین و نسبتاً کوتاه دارد و ماجراهای حضرت موسی، با زیبایی خاصی در آن مطرح شده است. مسئله ذکر، یاد و توجه به خدای متعال و تغذیه روح انسان از طریق نماز، در اینجا مطرح می‌شود. در آیه ۱۱۵ مسئله حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) با این عبارت مطرح می‌شود: «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ

کور است؛ یعنی آنجا که همه‌ی دیدنی‌ها و جلوه‌ها به میدان آمده، او نابینا است. مثالی می‌زنند که البته در مثل مناقشه نیست، مثل نابینایی کودک در رحم مادر و نابینایی انسان در دنیا. تمام دیدنی‌ها در آخرت است، ولی این آدم کور محشور می‌شود. به پروردگارش می‌گوید: «قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا» می‌گوید: «پروردگارا، چرا مرا نابینا محشور کردی با آنکه بینا بودم؟». به او جواب می‌دهند که: «قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى؛ می‌فرماید: همان‌طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان‌گونه فراموش می‌شوی». آن چیزی که انسان را برای مشاهده حق و حقیقت آماده می‌کند و به آن بینایی حقیقی می‌رساند، یاد خدای متعال است. در بین جلوه‌های یاد، آنی که عالی‌ترین سطح فهم و بصیرت و روشنایی را به انسان تقدیم می‌کند، نماز است. لذا هر کس به جایی

است. قله این یاد و عالی‌ترین سطح ظرفیتش، در نماز محقق می‌شود. اینجا یک هشدار است. اگر کسی از یاد خدای متعال روی گردان شد و از این امکان بزرگ که در دسترس او قرار گرفته و به وسیله آن می‌تواند بالاترین عنایات الهی را متوجه خود کند، غفلت کرد، چه اتفاقی می‌افتد؟! در آیه ۱۲۴ می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛ و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محشور می‌کنیم». اگر کسی اعراض و غفلت بکند و به یاد خدای متعال و مصداق برگزیده‌اش، یعنی نماز بی‌توجه باشد، اتفاقی که می‌افتد، خیلی دردناک است. یک زندگی تنگ، تاریک، غیر قابل تحمل، از همین دنیا برایش شروع می‌شود و در برزخ خود را نشان می‌دهد. خیلی از مفسرین «معیشه ضنکا» را به زندگی برزخی تفسیر کرده‌اند. این آدم وقتی وارد قیامت می‌شود،

است! باز با نماز تطبیق می‌کند و ضمناً با چنین پشتوانه‌ای، شخص اوج می‌گیرد و پرواز و معراج و نگاهی دارد که در آن نگاه، دنیا و جلوه‌های دنیایی در نگاهش کوچک می‌شود. برخورداران دنیا در نگاه انسان، معمولی و کوچک می‌شوند.

■ غیر قابل مقایسه بودن لذات معنوی با لذات دنیوی

در آیه بعد می‌فرماید: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقَ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ»؛ و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیا است تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است». اینها امتحاناتی است که دنیاداران به آن مبتلا هستند. تمام آنچه که دنیاداران دارند، از انواع و اقسام برخوردارها، اعم از شهوات و کامیابی‌ها و قدرت و جاه و جلال، در برابر یک جام ذکری که از آن

رسیده، از نماز رسیده و هر کس زمین خورد و عقب ماند و ساقط شد، از بی‌اعتنایی به نماز بوده است. اگر کسی نماز را با ظرفیت معنایی عظیمی آن درک کند و به اسرار و آداب و حقائقش دست پیدا کند، طعم بندگی را که طعم زندگی حقیقی است، چشیده می‌شود. در واقع می‌شود گفت که تغذیه اصلی به روح و روان و جانش رسیده و از این رهگذر است که روح انسان بالغ، و از حالت طفولیت خارج می‌شود و به فلاح و رشد دست می‌یابد. جالب است که در ادامه این سوره مبارکه در آیه ۱۳۰ می‌فرماید: «فَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ»؛ پس بر آنچه می‌گویند شکیبا باش، و پیش از برآمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز. باشد که خشنود گردی». چقدر این تعابیر، زیبا و شیرین

و معانی آن توجه پیدا کرده است. جمله «وفاده الی الله» اشاره دارد که این یک شرفیابی و ملاقات با خدای متعال است. جالب است که پاسخ این است که: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۳ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم». انسان مؤمن در این لحظات آن قدر بزرگ می‌شود و احساس عزت، بهجت و غرور می‌کند که با هیچ لذت دیگری قابل مقایسه نیست. در روایتی نورانی حضرت فرمودند: وقتی که شخص به نماز وارد می‌شود، نیکی و عنایت و لطف خدای متعال بر او ریزش می‌کند؛ یعنی بر و عنایت و لطف خدای متعال بر سر شخص نمازگزار می‌بارد و اگر پرده کنار می‌رفت و انسان مؤمن می‌دید که در آن وقت چه اتفاقی برایش می‌افتد، هرگز حاضر نبود از حالت نماز و سجده خارج شود.

اگر کسی از این ملاقات و ضیافت روی بگرداند، بداند که هیچ چیز گیرش نیامده است. هم در این دنیا از نظر روحی و روانی در تنگنا است، احساس عقب افتادگی دارد

سبوی کرم، خدای متعال در کام انسان مؤمن می‌ریزد، هیچ است و هیچ.

با هیچ لذت دنیوی قابل مقایسه نیست آن لحظه‌ای که انسان مؤمن به ملاقات خدای متعال نائل می‌آید و در خطاب الهی قرار می‌گیرد و حرف می‌شنود. نماز فقط گفتن نیست، بلکه شنیدن هم هست.

روایت زیبایی از امام رضا (علیه السلام) وارد شده که می‌فرماید: «خدای تعالی فرموده: «فاتحه الكتاب را بین خودم و بنده ام تقسیم کردم؛ نصفش از من، و نصفش از بنده من است»^۲. مؤمن وقتی سوره حمد را می‌خواند، خدای متعال پاسخ می‌گوید. آنجا که به مقام خطاب می‌رسد و خدای متعال را مخاطب قرار می‌دهد که «ایاک نَعْبُدُ و ایاک نَسْتَعِينُ» خدای متعال می‌گوید: فرشته‌ها باخبر باشید که من او را هدایت می‌کنم و از کمک‌های ویژه خودم بهره‌مند می‌سازم. پاسخش همان جا داده می‌شود به مؤمنی که ادب این ضیافت را به جا آورده و به اسرار

از این طریق به اوج رضایت و حقیقت رضامندی و آرامش و کامیابی می‌رسی. بعد می‌فرماید «وَلَا تَمُدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ...» اصلاً چشم ندوز به این چیزهایی که ما به دیگران دادیم. اصلاً اینها طعم زندگی را نفهمیده‌اند و مشغول بازپچه هستند. حالا امروز با این مدل ماشین، فردا با یک مدل دیگر، امروز با یک خانه، فردا با یک خانه دیگر، امروز با یک منصب و جاه و مقام، فردا با یک چیز دیگر، اینها همه بازی است برای اینکه «لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ» امتحان شوند. تو خیره‌خیره به این بهره‌مندی نگاه نکن. یک مجازات فوری است و آن اینکه شخص از جاه لذت می‌برد. به جای اینکه از بودن با خالق هستی بهره‌مند شود، از اتصال به اولیای خدا شیرین‌کام شود، از اینها محروم شده؛ منتها این محرومیت را الان نمی‌فهمد و مشغول بازپچه‌ها و چیزهایی است که در این دنیا مردم به آنها اشتغال دارند. خود لذت بردن از این چیزها در حالی

و مجازات می‌شود، و هم در آخرت. منتها از این مجازات غافل است. کی می‌فهمد؟ وقتی که او را در قبر می‌گذارند؛ یعنی درست در همان لحظه‌ای که به حیات برزخی وارد می‌شود. آنجا در یک تنگنا و حبس انفرادی و وحشت و تنهایی عجیبی قرار می‌گیرد که تازه می‌فهمد که غفلتی که داشته، به چه کیفیتی بوده است. در قیامت هم که فرمود: «وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»؛ و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می‌کنیم».

■ بالاترین عذاب

در ادامه حالت نماز را با زیبایی برای پیامبر ما مطرح می‌کند: «فَاصْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ». به تو بد و بیراه می‌گویند، اما «فاصبر» نگران نباش. به نمازت مشغول باش: «قبل طلوع الشمس» در صبح‌گاهان و «قبل غروبها» که نماز عصرگاهی است و «و من آناء الليل» که نماز مغرب و عشا است و «اطراف النهار» که نماز ظهر است. «لَعَلَّكَ تَرْضَى»

ظرفیت نماز، شکیبایی پیشه کن. جالب است. یکی از عالی‌ترین جلوه‌های صبر، صبر بر طاعت است و صبر بر طاعت، یکی از نمونه‌های برگزیده‌اش، صبر بر نماز است. باب اصطبار است که تأکید مضاعف است.

دست یافتن به این ارزش‌ها، صبر خاص خودش را می‌طلبد؛ یعنی در این مسیر چالش‌هایی داری. باید تمرین کنی، تحمل کنی، صبوری کنی، مراجعه کنی، مطالعه کنی، مراقبت داشته باشی، تکرار داشته باشی، حفاظت داشته باشی، دور نمازت بچرخنی، نازش را بکشی. نماز ناز دارد! در این ارتباط است که انسان به اینها می‌رسد و این همان صبر است و چه صبر شیرینی است! صبر تلخ نیست. صبر بر طاعت، صبر شیرین است و کام انسان همان وقت شیرین می‌شود. پس دعوت کن؛ همسر و فرزندان را. پدر و مادر خانواده بی‌توجه نباشند. باید همدیگر را امر کنند، و الا این شیرینی‌های دنیایی انسان را محروم می‌کند. پای یک بازی

که غافل از منعم و سفره‌گسترنده و خالق باشی، بالاترین عذاب است.

■ دیگران را به نماز دعوت کنیم

بعد از «وَلَا تُمِدَّنْ عَيْنَيْكَ» این آیه است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»؛ و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکبیا باش. ما از تو جویای روزی نیستیم، ما به تو روزی می‌دهیم، و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است». اینجا باز نماز مطرح می‌شود. توصیه و سفارش می‌کند و دستور می‌دهد که به اهلت فرمان نماز بده. نماز چنین اوج، وصال، قرب، عشق، بالغ شدن و فلاحی است.

حالا نوبت این است که دیگران را هم سهیم کنی. از اهل خودت شروع کن، از عزیزان خودت شروع کن، از آنهایی که خیلی دوستشان داری، از خانواده و نزدیکان خودت شروع کن و آنها را هم فرمان به نماز بده. برای فیض بردن و بهره‌مند شدن از

در قرآن کریم به ما می‌گوید که شما در جریان زندگی، پناهگهتان نماز است. این تعبیر نورانی قرآن که: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^۴ از شکیبایی و نماز یاری جوید. و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان» به ما یادآوری می‌کند که شما در برابر انواع مصیبت‌ها و معصیت‌ها، چالش‌های زندگی و سایش‌های روحی و روانی، چه پناهگاهی دارید؟ طبع دنیا طبع پیر از چالش، غم، اندوه، مصیبت، ناکامی و شکست است. قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»^۵ به راستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم». دنیا این گونه است که تمام شیرینی‌هایش آلوده به تلخی‌هاست، تمام کام یابی‌ها متصل به ناکامی‌هاست. جوانی‌اش متصل به پیری است. پیری متصل به مرگ است و حتی جوانی‌اش متصل به مرگ است. دنیا این طوری است. در وسط این دنیا، آن چیزی که مقام امن و پناهگاه است، یاد خدا است. وسط این جهنم،

معمول رایانه‌ای نشسته و مشغول بازی است یا مشغول تماشای یک برنامه فوتبال است. برایش شیرینی‌های خاص خودش را دارد. دارد با یک دوست صحبت می‌کند. باید این شخص را از این غفلت خارج کنی، باید به او خطاب کنی. باید او را دعوت کنی. نه یک دعوت عادی، با جدیت و با اهتمام. خودت پا شو و جا نمازت را بنداز یا همدیگر را دعوت کنید برای مسجد رفتن تا مصداق «واركعوا مع الراكعين» شوید. ملکوت‌خانه‌ی خدا هم به کمک می‌آید. فردا روز اول دهه تکریم مساجد هم هست. این دهه، دهه خیلی خوبی است برای توجه به مسجد. دیگر را فرمان بدهید و حرکت کنید برای نماز جماعت. دست بچه‌ها را بگیرید و با خانواده همراه بشوید و بروید به سمت خانه خدا و با مؤمنین همراه شوید. خدای متعال این را خیلی دوست دارد. از برکات این ذکر جمعی و این ضیافت جمعی با هم دیگر بهره‌مند شوید. خدای متعال به صراحت

دارد؟ چه آرامگاهی دارید؟ چه تکیه‌گاهی دارید؟ به اینجا برسید تا به حقیقت آرامش برسید. منتها اگر می‌خواهید بروید، باید خاشعانه بروید، مؤدب باشید تا از ظرفیت بی‌کرانه نماز بهره‌مند شوید.

من هفته گذشته به مناسبت رحلت امام راحل عظیم الشان که تقارن جالبی با نیمه شعبان و نیمه خرداد داشت، همه اش به امام فکر می‌کردم. امام چه شد که امام شد؟ یعنی «روح الله موسوی خمینی» که یک عالم زاده بود، چه شد که شد امامی که توانست این قدر بزرگ باشد و این قدر تحولات بزرگ را در زمانه ما به وجود آورد؟ مطالعه که می‌کنید، می‌بینید امام از نماز به اینجا رسید. برداشته‌های اصلی را امام از نماز داشته و جالب است که یادگارهای جالبی هم امام برای ما گذاشته است. یک کتاب گذاشته است به اسم «آداب الصلاه» و یک کتاب دیگر به اسم «سر الصلاه». از اینجا بود که امام به این بزرگی رسید.

یاد خدا بهشت است و حقیقت بهشت نماز است. نماز دستت را می‌گیرد و تو را به وسط بهشت می‌برد. این صبر همان صبر بر طاعت و صبر بر معصیت و صبر بر مصیبت است که انسان مؤمن خودش را حفاظت کند و خودش را نبازد و خودش را به آغوش خدای متعال برساند که همان نماز است. خودش را در آغوش حضرت حق بندازد. همان جا که کهف حصین است. در مثل مناقشه نیست؛ مثل حالتی که یک کودک، وقتی می‌پرد در آغوش مادرش، چه احساس آرامشی برای این بچه هست؟ وقتی می‌آید به آغوش پدر، چه احساس آرامشی دارد؟ احساس می‌کند دیگر هیچ خطری او را تهدید نمی‌کند. وقتی انسان خودش را به آغوش خدای متعال می‌سپارد که همان نماز است، از همه‌ی این خطرها و آسیب‌ها و آفت‌ها و ضعف‌ها و کاستی‌ها و نقص‌ها و ترس‌ها، خودش را در بغل خدا می‌اندازد! غیر از اینجا، چه آرامشی وجود

امیدوارم ما هم که هم‌عصر امام
هستیم، از این مواهب آسمانی
بهره‌مند باشیم.



■ منابع و مآخذ:

۱. هود: ۱۱۴.
۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (علیه السلام).
۳. بقره: ۱۵۲.
۴. بقره: ۴۵.
۵. بلد: ۴.



افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۵۹۵۹

اِشْنِبِه‌ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

